

حادثه

«درگیری» مهم‌ترین علت تماس مردم با پلیس ۱۱۰

● رئیس پلیس پیشگیری پایتخت از عملیاتی شدن هفت‌هزارو ۵۰ تماس با مرکز پلیس ۱۱۰ در هر روز خبر داد و گفت بیشتر تماس‌ها مربوط به درگیری است. سردار کیوان ظهیری، رئیس پلیس پیشگیری پایتخت، درباره عملکرد مأموران پلیس ۱۱۰ به فارس گفت: همه تلاش ما این است که رضایت شهروندان را فراهم کنیم؛ مأموران پلیس ۱۱۰ بلافاصله بعد از اعلام مرکز به مأموریت اعزام می‌شوند و این‌گونه نیست که مأموریتی بی‌پاسخ بماند. متأسفانه در این بین مواردی وجود دارد که دسترسی پلیس به مورد اعلامی را دشوار می‌کند؛ برای مثال مردم در اعلام گزارش خود به پلیس ۱۱۰، آدرس و مشخصات محیط را درست بیان نمی‌کنند؛ مثلاً می‌گویند فلان محله، فلان کوچه و ساختمان شماره X، وقتی مأمور به آدرس مراجعه می‌کند، با بُرجی مواجه می‌شود که ۲۰ طبقه است و در هر طبقه X واحد وجود دارد و مأمور متاستل می‌ماند که رنگ کدام واحد را بزند؛ یا فلان درگیری در خیابان رخ داده و رهگذاران به پلیس اعلام می‌کنند اما تا مأمور برسد درگیری خاتمه یافته و طرفین رفته‌اند. او افزود: از زمانی که خبر به اپراتور مرکز ۱۱۰ اعلام می‌شود تا حضور مأمور پلیس به‌طور میانگین حدوداً هفت دقیقه طول می‌کشد؛ اگرچه باید ترافیک محدوده را نیز در نظر گرفت. همچنین در راستای سرعت‌بخشیدن به عملکرد مأموران پلیس ۱۱۰ برای حضور در مأموریت‌های اعلامی، تعداد ۱۱۰ دستگاه موتورسیکلت جدید به ناگان پلیس ۱۱۰ افزوده شده و درصده مستقیم تعداد موتورسیکلت‌ها را به ۸۰۰ دستگاه ارتقا دهیم. در این راستا همچنین محل استقرار مأموران ۱۱۰ را کلانتری‌ها به میادین سطح شهر تغییر پیدا کرد تا فاصله بین تماس و حضور مأمور در محل مأموریت کاسته شود؛ چراکه مثلاً فاصله برخی کلانتری‌ها تا ایستگاه پلیس در میان همان منطقه، پنج کیلومتر است که با این اقدام فاصله بین تماس تا محل مأموریت کمتر شده است. سردار ظهیری گفت: یک‌سوم اخبار کل ایران مربوط به پلیس پیشگیری پایتخت و ۱۱۰ تهران است که با این حجم تماس، تغییر تاکتیک به‌واسطه ترافیک موجود در کلان‌شهر تهران در دستور اسارت است بتوانیم رضایت‌مندی شهروندان را احصا کنیم؛ در این راستا برای استفاده از همه ظرفیت مأموران پلیس ۱۱۰ به مأموران دستور داده‌ایم اگر در مسیر بازگشت از مأموریت، موردی از جرم مشهود را مشاهده کردند، بلافاصله اقدامات لازم را انجام دهند.

پنج قاره

کشف جسد مرد تنها ۱۱ سال پس از مرگ

● جسد مردی که احتمالاً ۱۱ سال پیش مرده، در خانه‌اش در شهر نانت فرانسه کشف شد. صاحبخانه این مرد روز چهارشنبه پیش به پلیس نانت خبر داد مستاجرش فوت کرده و پلیس پس از مراجعه به آپارتمان محل سکونت او با جسد یک مرد مواجه شد. تحقیقات اولیه پلیس نشان می‌دهد این مرد که هنگام مرگ سال‌خورده بوده، احتمالاً در سال ۲۰۰۸ درگذشته است. پلیس می‌گوید کالبدشکافی هنوز انجام نشده و مأموران تاریخ تقریبی مرگ را از روی تاریخ نامه‌های دریافتی و تاریخ انقضای مواد غذایی موجود در خانه تخمین زده‌اند. علت دقیق مرگ این شهروند فرانسوی هنوز معلوم نیست، اما با توجه به اینکه سن او بالا بوده، پلیس درحال حاضر گزینه مرگ طبیعی را تقریباً قطعی می‌داند. صاحبخانه این مرد به پلیس گفته که تا همین اواخر اطلاعی از او نداشته، زیرا ا اجازه ماهانه به صورت خودکار از حساب بانکی مستاجر برداشت می‌شده است. متوفی ظاهراً تنها زندگی می‌کرده و فامیل نزدیکی نداشته، اما پلیس جست‌وجوی خود برای یافتن فردی از خانواده او را آغاز کرده است.

توقیف زبردربایی قاچاقچیان

● مأموران گارد ساحلی آمریکا یک زبردربایی دست‌ساز قاچاقچیان را که حامل مواد مخدر بود، توقیف کردند. گارد ساحلی آمریکا در دو ماه گذشته توانسته محموله‌های مواد مخدر به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار را از قاچاقچیان کشف و ضبط کند. این طرح در قالب عملیات برخورد با جرائم سازمان‌یافته در ایالات متحده اجرا شد. در تصاویر منتشرشده، مأموران گارد ساحلی آمریکا نشان می‌دهند که می‌کند یک زبردربایی دست‌ساز قاچاقچیان را که حامل مواد مخدر است، متوقف کنند. در این ویدئو یکی از اعضای گارد ساحلی روی این زبردربایی می‌پرد. در این عملیات ۱۸ تن هروین و ماری‌جوانا به ارزش ۵۶۹ میلیون دلار از قاچاقچیان کشف و ضبط شد. در قالب این مأموریت ۱۴ شناور توسط گارد ساحلی آمریکا شناسایی و توقیف شد. برخی از این شناورها طوری طراحی شده بودند تا قابل شناسایی نباشند. مبدأ حرکت اغلب این شناورها آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی بوده است. یک مقام آمریکایی می‌گوید شناسایی و پیداکردن این شناورها شبیه جست‌وجوی سوزن در انبار گاه است.

شرق: محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران که متهم است همسر دومش میترا استاد را به قتل رسانده است، صبح روز گذشته در حالی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد که رئیس دادگاه گفت به خاطر حساسیت افکار عمومی دادستان کل اجازه داده دادگاه به صورت علنی برگزار شود. آنچه در دادگاه گذشت نشان می‌داد طرفین پرونده هنوز از شوک اتفاق بیرون نیامده‌اند، اما گفت‌وگو بین آنها جریان دارد و خانواده نجفی و برادر میترا استاد که به نمایندگی از خانواده‌اش در دادگاه حضور داشت، در کمال احترام با هم صحبت می‌کردند.

به گزارش خبرنگار ما، صبح روز گذشته سالن اجتماعات امام خمینی(ره) دادگاه کیفری استان تهران یکی از شلوغ‌ترین جلسات خود را تجربه کرد. در ابتدای جلسه رسیدگی و بعد از اینکه طرفین پرونده و خبرنگاران در دادگاه حاضر شدند، دکتر محمدرضا محمدی‌کشکولی، رئیس جلسه قبل از آغاز دادگاه توضیحاتی داد و از رسانه‌ها خواست آمادگی کنند تا پرونده از روند قانونی خود خارج نشود. او گفت: براساس قانون رسیدگی به پرونده‌هایی که جنبه شخصی دارد غیرعلنی است اما با توجه به حساسیتی که پرونده قتل میترا استاد ایجاد کرده، با موافقت دادستان کل کشور و درخواست ایشان از رئیس قوه قضائیه برای علنی‌بودن دادگاه پرونده و موافقت رئیس قوه قضائیه، جلسه رسیدگی به‌صورت علنی برگزار می‌شود. در این پرونده مسائلی پیش آمد و در مرحله تحقیق اتفاقاتی افتاد که تحقیقات مقدماتی تحت‌تأثیر قرار گرفت. قانون طلایی بررسی آلت جرم و حفظ صحنه جرم رعایت نشد و متأسفانه رسانه‌ها هم در این زمینه دخیل بودند و دخالت‌هایی صورت گرفت که باعث تشویش اذهان عمومی شد. خبرنگاران محترم باید بدانند که نباید نقش بازی‌رس را ایفا کنند. مقام قضائی نیز باید در این زمینه اقدامات لازم را انجام می‌داد. به همین دلیل با توجه به اینکه دادگاه به‌صورت علنی برگزار می‌شود، از رسانه‌ها می‌خواهم هر چیزی خصوصی متهم و شکات را رعایت کنند و فراتر از قانون عمل نکنند. او افزود: این پرونده یک قتل خانوادگی است و همه باید اصول بی‌طرفی را رعایت‌ کنند. ضمن اینکه متذکر می‌شوم همه اصحاب رسانه و طرفین پرونده اخلاق را رعایت‌ کنند، از نماینده دادستان هم می‌خواهم و تذکر می‌دهم طبق قانون اخلاق را رعایت‌ کنند.

به نظر می‌رسد اشاره رئیس دادگاه به مصاحبه صداوسیما با محمدعلی نجفی در مرحله دادسرا و پخش گسترده آن در تلویزیون بود که با واکنش‌هایی همراه شد؛ چراکه خبرنگاران صداوسیما دقایقی بعد از حضور نجفی در اداره آگاهی و فردای آن روز در دادسرا حاضر شده و در اتاق بازپرسی با نجفی مصاحبه کرده بودند. همچنین خبرنگار صداوسیما سلاخی را که آلت قتاله بود در دست گرفته و جلوی دوربین نشان داده بود.

به‌اندازه محمد شهرداری، رئیس دادسرای جنایی تهران به‌عنوان نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت. او کیفرخواست ۱۶صفحه‌ای علیه محمدعلی نجفی را خواند و گفت: در پرونده کلاسه ۹۸۰۲۱۴ محمدعلی نجفی فرزند احمدعلی ۶۸ساله متهم است، روز سه‌شنبه مورخ ۷ خردادماه سال ۹۸ ساعت ۱۲:۳۰ به پلیس گزارش شد که در شهرکغرب به آدرس کد صنعت، خیابان خوربدین برج آرمینا واحد ۲۲۰۱ قتلی اتفاق افتاده است. بازپرس به همراه متخصص پزشکی‌قانونی و مأموران تشخیص هویت به محل رفتند و جسد مقتول میترا استاد را در وان حمام، سه به سمت جنوب و پا به سمت شمال پیدا کردند. آثار خونریزی مشاهده شد. آپارتمان به‌هم‌ریخته بود که بعد مشخص شد به دلیل اسباب‌کشی‌ای بوده که به‌تازگی مقتول و همسرش محمدعلی نجفی انجام داده بودند. در راستای تحقیقات دست‌نوشته‌ای با امضای محمدعلی نجفی در محل قتل کشف شد که بخش‌هایی از آن را می‌خوانم. در این دست‌نوشته آمده است: در طول یک سال و اندی زندگی مشترک با میترا سعی کردم با توافق و بدون خونریزی مشکل را حل کنم اما توصیه‌پذیر نبود. بارها راه‌حلی ارائه دادم مبنی بر طلاق و گفتم که کلیه حق و حقوق را می‌پردازم اما جدا شویم، اما (میترا) می‌گفت قصد من گرفتن انتقام از دختر و همسرت (اول) است. می‌گفت تا زمانی که خیانت... نکنم دست‌بردار نیستم. او دواستانش از جمله (۰۰۰، ۰۰۰) را به اعمال خلاف تشویق می‌کرد. همه این اتفاقات من را به این نتیجه قطعی رساند که مهدوالدم است. او مرا تهدید می‌کرد و تهمت می‌زد. او مهدوالدم بود و من او را کشتم.

شهرداری ادامه داد: با کشف این دست‌نوشته احتمال داده شد که دست به خودکشی بزند ضمن اینکه ظن بازپرس نسبت به اینکه او مرتکب قتل شده باشد قوت گرفت. صحنه به‌صورت دقیق بررسی شد. آثار خون تا در حمام وجود داشت. لکه‌های خون در قسمت‌های مختلف اتاق دیده شد. آثار ورود و خروج گلوله هم دیده شد. دوربین‌های مدرسته نیز بررسی و مشاهده شد؛ ساعت ۱۱:۴۲ محمدعلی نجفی از خانه خارج شد و یک کیف دستی در دستش بود. نماینده دادستان در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: راننده محمدعلی نجفی اعلام کرده به در واحد نجفی رفته و دو عدد کیف را از او گرفته است. این فرد در تحقیقات اولیه اعلام کرده به‌دلیل اینکه استرس شدیدی در نمی‌تواند خودش بنویسد بنابراین از بازپرس خواسته تا گفته‌هایش را بنویسد و سپس آن

را تایید کرده است. او گفته است: ساعت ۹:۲۶ دکتر نجفی با من تماس گرفت و به خانه‌اش رفتم. سه بار در ساعت‌های مختلف با نجفی تماس گرفتم جواب نداد. رنگ در را زدم. در را باز کرد. کیف‌دستی قهوه‌ای و مشک‌ی را به من داد و گفت پیش زهرا دخترم ببر. بعد گفت منتظر باش نامه بنویسم ساعت ۱۰:۱۴ به من گفت بیا و کیف قهوه‌ای را بیاور. کیف را بردم و بعد نامه و کیف را داد و گفت تحویل زهرا بده. نامه را دادم. راننده نجفی در بخش دیگری از صحبت‌هایش می‌گوید: وقتی به خانه دکتر نجفی رفتم، با اجازه دخترش در را باز کردم و در سرویس جسد میترا استاد را دیدم. مهیار، پسر میترا استاد گفت بابا، مامان را کشته، من دکتر نجفی را زمانی که می‌خواستیم کیف را بگیرم با لباس خونی دیدم.

شهرداری گفت: با اینکه متهم در نامه ادعا کرده بود با اعتقاد مهدوالدم‌بودن دست به قتل زده است، اما در بازجویی‌ها گفت: من با این اعتقاد او را نکشتم حتی اگر اطمینان داشتم مهدوالدم است او را نمی‌کشتیم و به‌خاطر اختلافات خانوادگی این کار را کردم. نامه را نوشتم چون خانواده‌ام که من در آن نقش پدر، همسر و برادر داشتم، سرشکسته می‌شدن و این راه می‌توانست اعاده حیثیت برای آنها بکند. نماینده دادستان گفت: از مهیار (پسر مقتول) هم تحقیق به عمل آمد، او گفت: آقای نجفی با مادرم اختلاف داشت. آنها با هم درگیری داشتند، چندبار درگیری فیزیکی هم داشتند، آقای نجفی شب قبل خانه ما بود صبح ساعت ۹ من برای رقتن به مدرسه از خانه خارج شدم، ساعت ۱۲:۲۰ آمدم و دیدم مادرم کشته شده است. فکر نمی‌کردم مادرم مرده باشد. هرچه با آقای نجفی تماس گرفتم موبایلش خاموش بود.

شهرداری دوباره به نامه‌ای که نجفی نوشته بود، اشاره کرد و گفت: در این نامه با وصیت‌نامه محمدعلی نجفی از همه حلالیت خواسته و نوشته بود از اعضای خانواده‌ام از دوستانم و از مردم می‌خواهم که من را ببخشند. راه دیگری برایم نمانده بود. از باران عزیزم که شش ماه است نتوانستم بنابر دلایل مشخص او را ببینم عذرخواهی می‌کنم. با توجه به سابقه متهم که پیش از این نیز اقدام به خودکشی کرده و در بیمارستان شهید رجایی نجات یافته بود، احتمال خودکشی او وجود داشت تا اینکه نهایتاً ساعت هفت شب متهم خود را در اداره آگاهی تهران تسلیم پلیس کرد. براساس مدارک موجود در پرونده از جمله آلت قتل کشف‌شده، نامه نوشته‌شده، اقرار صریح متهم و فیلم دوربین‌های مدرسته، درخواست مجازات برای متهم براساس سه اتهام مباشرت در قتل عمدی میترا استاد، حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز جنگی و ایراد صدمه بدنی غیر قوت دارم.

شهرداری یک بار دیگر به دلیل اسباب‌کشی‌ای بودن انتقاد از برخورد جناحی با این پرونده گفت: دکتر محمدعلی نجفی یکی از مدیران ارشد کشور است. او در دانشگاه شریف لیسانس گرفته و سپس در آمریکا ادامه تحصیل داده است. او یکی از مدیران زده‌بالا و موفق بوده که در سمت‌های وزیر، معاون وزیر، معاون رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه‌بودجه و رئیس سازمان میراث فرهنگی و در نهایت شهردار تهران فعالیت کرده است. جناح‌های سیاسی باید توجه داشته باشند هر انسانی قبل از اینکه مدیر باشد، یک انسان است و ممکن است دست به قتل بزند و تحت تأثیر آثار منفی عملکرد دیگران قرار بگیرد.

شهرداری یک بار دیگر به نامه نوشته‌شده توسط دکتر نجفی اشاره کرد و گفت: نجفی در این نامه گفته است میترا استاد را ابتدا به‌عنوان کسی که کاندیدای ششورا شده و می‌خواهد در لیست باشد، دیدم و بعد درخواست دیدار خصوصی کرد. این‌بار منجبه بود و در دیدار خصوصی علاقه‌ای بین ما ایجاد شد، به محض دیدار با همسرش جدا شده‌است و من او را سیغه کردم، وقتی شهردار تهران شدم برخی نهادهای از این مسئله سوءاستفاده کردند و من مجبور به ارتباطی نداشته است. او بعد از جدایی از شوهرش و زمانی که سیغه ... شده بود، مسلمان شد. او با این کارها من را اذیت می‌کرد. من از همه عذرخواهی می‌کنم، من این بزرگ‌ترین اشتباه من بوده‌م من اینکه طلاق همسر اولم از نظر من منتفی است. نجفی با

حوادث

مشروح کامل اولین جلسه محاکمه محمدعلی نجفی

محرمانه‌های یک قتل



این نامه نشان می‌دهد انسانی است که دچار خطا شده است. هرچند ما تحقیق کردیم و درباره روابط خانم استاد به نتیجه نرسیدیم، اما بعد نجفی گفت که آنچه گفته مکالماتش با مقتول بوده و در این زمینه مدرکی ندارد. بنابراین بیان لفظ پرستو به یک زن جوان و انداختن توپ به زمین یکدیگر از سوی جناح‌ها بسیار کار نادرستی است و باید توجه داشته باشند هر انسانی در هر سمتی ممکن است دست به خطا بزند. اما در نهایت بنا بر وظیفه قانونی و انسانی طرفین پرونده را به صلح و سازش دعوت می‌کنم. چراکه آرامش اولیای‌دم در بخشش و گذشت است. محمدی‌کشکولی، رئیس دادگاه بعد از اظهارات نماینده دادستان گفت: با توجه به استناد نماینده دادستان به شهود و همچنین درخواست وکلای متهم شهودی که نام برده شده را در دادگاه نیز مورد تحقیق قرار می‌دهیم.

در ادامه وکلای اولیای دم مقتول برای نجفی درخواست قصاص کردند.

سپس قاضی از زهرا نجفی، دختر محمدعلی نجفی خواست تا در جایگاه قرار گیرد. این دختر جوان که از گفته‌های بریده‌بریده‌اش کاملاً مشخص بود دچار اضطراب است، پشت تریبون قرار گرفت و قسم خورد که چیزی به‌جز حقیقت نکوید. سپس گفت: من قبل از اینکه صحبت‌هایم را شروع کنم، به خانواده استاد به خاطر این مصیبت تسلیت می‌گویم. روز حادثه حدود ساعت ۱۱ بود که فرهاد آقازاده، راننده پدرم به خانه ما آمد. من داشتم آماده می‌شدم بروم بیرون که او آمد. خیلی مضطرب بود. به من گفت آقای دکتر کیفی داده که به شما بدهم. یک نامه هم دستش بود. نامه را باز کردم و خواندم. سه ورق و شش صفحه بود. شرح مفصلی از آنچه اتفاق افتاده بود در آن نامه آمده بود. پاراگراف آخر نامه آمده بود از همه شما و مردم ایران و دوستانم حلالیت می‌خواهم. من اشتباه بزرگی کردم و ازدواج با میترا استاد بسیار اشتباه بزرگی بود که نباید از من سر می‌زد. بعد نوشته‌بود انا لله و انا الیه راجعون. من دیدن این آیه به‌شدت ترسیدم. آقازاده گفت آقای دکتر را دیدم که شلوارش خونی بود، فکر می‌کنم اتفاق بدی افتاده است. بلافاصله با علیرضا، همسر تماس گرفتم و از او خواستم که بیاید. بعد راه افتادیم. من و همسر در ماشین خودمان بودیم و آقازاده هم با ماشین بابا بود. ما خانه جدید بابا را بلد نبودیم. ما همین خاطر آقازاده ولتور رفت. وقتی رسیدیم ما پشت ستون ایستادیم و از آقازاده خواستیم که در بزند. چندبار در و زنگ زد، کسی باز نکرد. من به او گفتم با تاکید در را باز کن. وارد خانه شدیم. علیرضا و آقازاده چند بار بابا و خانم استاد را صدا زدند، صدایی نیامد. هم‌زمان مهیار پسر خانم استاد رسید، آقازاده داشت اتاق‌ها را می‌گشت، وقتی دفعه گفت باباوالفضل! علیرضا به سمت آقازاده رفت، مهیار هم پشت سرشان رفت. من هم رفتم و جسد خانم استاد را دیدیم. من به علیرضا گفتم که اجازه ندهد مهیار جسد را ببیند. مهیار داد می‌زد بابا مامان را کشته، جاقو برداشت که حمله کند، علیرضا و آقازاده سعی می‌کردند جلوی او را بگیرند. بعد هم او را بیرون بردند. علیرضا با اورژانس تماس گرفت، تکنسین به ما گفت او را صاف بخوابانیم و ماساژ قلبی را شروع کنیم. من به جسد دست زدم، بدنش سرد بود. با این حال علیرضا ماساژ را با کمک تکنسین شروع کرد که یک‌دفعه خون از سوراخ روی سینه‌اش بیرون زد، به علیرضا گفتم مرده است. هم‌زمان آمبولانس هم رسید و تکنسینی که حاضر شده بود هم تأیید کرد که میترا مرده است.

سپس علیرضا، داماد محمدعلی نجفی در جایگاه قرار گرفت او هم ابتدا به خانواده استاد تسلیت گفت و سپس قسم خورد چیزی جز حقیقت نکوید و ادامه داد: بعد از گزارش از خانواده میترا استاد فقط برادرش مسعود در دادگاه حضور داشت که استرس داشتند و آقازاده می‌گفت شلوار آقای دکتر را دیده که خونی بوده است. من فقط پاراگراف آخر نامه را خواندم و بلافاصله راه افتادیم.

او نیز گفته‌های همسرش را تکرار کرد و در پاسخ به این پرسش‌ها که آیا می‌دانند چرا دکتر نجفی با میترا استاد اختلاف داشت، گفت: من از اینکه چرا آنها با هم اختلاف داشتند، چیزی نمی‌دانم چون مدت‌ها بود تماس ما با آقای دکتر قطع شده بود و فقط آقای دکتر جواب تماس زهرا را می‌داد و زهرا به ما می‌گفت ایشان حالشان خوب است.

او درباره اختلاف بین میترا استاد با او داشت گفت: اوایل دوره شهرداری آقای دکتر بود که مراسمی در

برج میلاد برگزار شد و خانمی ردیف اول نشسته بود. مانتویی پوشیده بود که رنگ خاصی داشت و آن‌قدر خاص بود که توجه را جلب می‌کرد. او کنار دکتر نجفی نشسته بود. من از رئیس برج میلاد پرسیدم این خانم کیست؟ اما جواب درستی نداد. در یک بعد تماسی از طرف خانم استاد با من گرفته شد که حرف‌های خوشایندی نزدند و با تندی با من برخورد کردند و گفتند به شما چه ربطی دارد که درباره همسر قانونی شهردار تهران سؤال می‌کنید و از اینکه من درباره ایشان پرس‌وجو کرده بودم، ناراحت شده بودند.

او گفت: ما هیچ ارتباطی با دکتر بعد از ازدواج مجددش نداشتیم. با حاج‌خانم (همسر اول نجفی) ارتباط داشتیم و زهرا بیشتر پیش مادرش بود.

در ادامه آقازاده، راننده محمدعلی نجفی در جایگاه قرار گرفت. او درباره صحنه قتل، گفته‌های دختر و داماد نجفی را تأیید کرد و گفت: بار اول که مقابل خانه رفتم، متوجه پای خونی دکتر نشدم، اما بار دوم که به من گفت بروم و نامه را بگیرم، دیدم شلوارش خونی است و مچ پایش هم خیلی خونی بود، گفتم چه شده؟ گفت با میترا خانم درگیری شده است. البته من متوجه اختلاف ایشان با همسرش شده بودم چون چندین بار صورت دکتر کیود بود اما چیزی به دکتر نگفتم. یک‌بار هم دیدم تلفنی دعوا می‌کردند. من خانم استاد را برای خرید بیرون می‌بردم، اما بیشتر کارهای دکتر را انجام می‌دادم. آن روز هم دکتر به من گفت نامه و کیف‌ها را به دخترش برسانم و بعد من دنبال حاج‌خانم رفتم و گفتم چه شده است و بعد با هم به خانه زهراخانم رفتم و من نامه و کیف‌ها را دادم.

او درباره مهیار گفت: مهیار، زهراخانم را نمی‌شناخت. زهراخانم اول فکر کرد از لابی چیزی آورده‌اند، گفت هرچه هست بدهید و بروید، من گفتم که ایشان پسر میتراخانم هستند. بعد که جسد میتراخانم را پیدا کردیم، زهراخانم و همسرش سعی داشتند ایشان جسد را نبیند. چون جاقو داشت من ترسیدم به زهراخانم یا علیرضا صدمه وارد کند و سعی کردم با کمک نگهبان جاقو را از او بگیریم. سپس خبرنگاری که سایت خبری که با میترا استاد روز حادثه قرار مصاحبه داشت، در جایگاه قرار گرفت، قسم خورد به جز حقیقت چیزی نکوید و ادامه داد: زمانی که دکتر نجفی از سمت شهرداری استعفا داد ما گزارشی نوشتیم درباره نقش پرستوها در زندگی سیاسیون. مدتی بعد خانم استاد با یک کانال لگزامی مصاحبه و عکس‌های خصوصی‌اش را منتشر کرد. من از ادمنین کانال شماره خانم استاد را گرفتم و قرار مصاحبه گذاشتم که منتشر شد. بعد از آن خانم استاد دو بار با من تماس گرفتند؛ یک‌بار دی‌ماه سال گذشته بود که درباره زندگی خصوصی‌اش که صحبت کرد و گفت که دکتر نجفی قول‌هایی را به او داده عملی نکرده است و بعد هم تأکید کرد که صدای دکتر نجفی را ضبط‌شده دارد و کلایه کرد که دکتر نجفی هرچه داشته به نام همسر اول و دخترش کرده است. من به ایشان گفتم به دفتر سایت بیاید که بعد خودشان کنسل کردند. بار دوم روز قبل از حادثه تماس گرفت و گفت: همسر اول دکتر نجفی از او جدا شده است. خانم استاد گفت که چون پدرش ناراحت است، می‌خواهد این موضوع را رسانه‌ای کند. او به من گفت که پدرش به خاطر ازدواج او ناراحت است و به او گفته کارهایش باعث سرشکستگی خانواده‌اش شده است. میترا به من گفت: پدرم می‌گوید مردم به من می‌گویند دخترت زن دوم یک مرد شده است و کلایه می‌کند چرا من زن دوم شدم و آبروی او را برده‌ام. میترا گفت: حالا می‌خواهم جداشدن همسر اول دکتر نجفی را علنی کنم تا همه بدانند من تنها همسر دکتر نجفی هستم و دیگر زن دوم نیستم. البته خانم استاد باز مسائل خصوصی را مطرح کرد و گفت که قول‌هایی به او داده شده بود و عملی نشده و گفت که در این زندگی دچار صدمه فیزیکی و روحی شده است. تا اینکه شب برای من مسیج فرستاد که فعلاً قصد مصاحبه ندارد و می‌خواهد به مسافرت برود. بعد عکس‌نوشته‌ای با این مضمون فرستاد که هرکسی که در برابر ظلم سکوت کند با ظالم همدمت است. فردای آن روز خبر قتل ایشان منتشر شد.

بعد از گفته‌های شهود، قاضی دادگاه اعلام تنفس کرد و گفت: با توجه به اینکه پسر میترا استاد در دادگاه نیست و گفته‌های او به روند پرونده کمک می‌کند، ادامه رسیدگی به ۲۴ تیرماه موکول می‌شود. پس بر این گزارش از خانواده میترا استاد فقط برادرش مسعود در دادگاه حضور داشت که بعد از پایان جلسه دادگاه نیز چند دقیقه‌ای را در گوشه‌ای با دکتر نجفی صحبت کرد. این مکالمه به درخواست وکلای اولیای‌دم انجام شد. آنها از رئیس دادگاه خواستند اجازه دهد چند دقیقه‌ای از متن کلامی در قلمرو باشد، اما بیشتر صحبت دکتر نجفی با برادر میترا استاد و به‌نهایتی انجام شد. سپس وکلا نیز کنار مسعود استاد قرار گرفتند. مسعود استاد، برادر میترا استاد درباره موضوع گفت‌وگویش با دکتر نجفی چیزی نگفت اما توضیح داد خانواده‌اش روی قصاص پافشاری دارند. وکلای دکتر نجفی بعد از دادگاه اعلام کردند تلاش‌هایی برای جلوگیری از اولیای‌دم انجام شده است.

رخداد

هشدار به شهروندان برای مواجهه با فریب‌های اینترنتی

● مرکز پلیس فتای تهران بزرگ، نکات آموزشی برای شهروندان درباره اقدامات کلاهبرداران در فضای مجازی را تشریح کرد.
به بررسی پرونده‌های مطرح‌شده در این مرکز، مشخص شده است افراد مجرم و کلاهبردار، با راه‌اندازی سایت‌های مختلف جعلی و تبلیغات گوناگون در فضای مجازی و ارسال پیامک به شهروندان با موضوعات مختلف از قبیل ثبت‌نام برای جلوگیری از قطع یارانه‌ها، افزایش بارانه دریافتی، دریافت سبد کالای حمایتی دولت، اختصاص سهمیه بنزین، دریافت مجوز طرح تردد زوج و فرد و سایر مواردی که بسته به موقعیت احتمال مطرح‌شدن آنها نیز از سوی فرد کلاهبردار وجود دارد، به فریب‌دادن قربانیان برای دریافت هزینه ارائه این خدمات و با هدایت آنها به درگاه‌های جعلی موسوم به فیشینگ، برای به دست‌آوردن اطلاعات کارت بانکی نسبت به برداشت غیرمجاز از حساب‌هایشان، اقدام می‌کنند. در این‌گونه مواقع، شهروندان موظفان‌در ابتدا هرگونه اخبار مربوط به موارد گفته‌شده را از طریق منابع موثق مانند رسانه ملی، خبرگزاری‌های رسمی و سایت‌های سازمان‌ها دریافت‌کنند و در گام بعدی حتماً برای هرگونه ثبت‌نام یا ایجاد تغییرات در سایت‌های مجازی که آدرس آن از طریق رسانه ملی و خبرگزاری‌ها اطلاع‌رسانی می‌شود، مراجعه کنند و این نکته را نیز مدنظر داشته باشند که سازمان‌ها و ادارات دولتی برای ثبت‌نام، ویرایش اطلاعات و هرگونه فرایندی، هیچ‌گاه از شهروندان پولی دریافت نمی‌کنند. در انتها یادآور می‌شود در صورت مواجهه با موارد مشابه این چنینی، حتماً مراتب را از طریق سایت پلیس فتا به آدرس cyberpolice.ir گزارش دهید.

مرگ شرور زورگیر در درگیری با پلیس

● فرمانده انتظامی شهرستان شاهرود گفت: فردی سابقه‌دار که به چند فقره زورگیری و آدم‌ربایی اقدام کرده بود، در شاهرود کشته شد. سرهنگ علی کریمی اظهار کرد: این مجرم با تبانی یکی از هم‌دستان خود موفق به فرار شده بود. وی با بیان اینکه تیم‌های عملیاتی ویژه برای دستگیری این فرد ۲۸ساله تشکیل شده بود، یادآور شد: این فرد با یک قبضه قمه، پنج میلیون ریال پول نقد از یک جوان زورگیری کرده بود و قصد تهیه پول بیشتر و فرار از شهرستان را داشت. سرهنگ کریمی با بیان اینکه مخفیگاه وی از سوی تیم‌های ویژه پلیس شناسایی شد، افزود: پس از حضور مأموران مشخص شد این مجرم با تهدید سلاح سرد صاحبخانه را زبوده و به اقامت در منزل مجبور کرده است. وی ادامه داد: با حضور تیم دستگیری در محل، متهم از طبقه چهارم ساختمان به طبقه یکم پریده و با شکستن در ورودی بالکن یکی از همسایه‌ها وارد منزل آنها شده است و با حضور در اتاق خواب در را قفل کرده و از نورگیر وارد آپارتمانی شده است. کریمی اضافه کرد: در این زمان با دیدن پلیس با قمه به سمت آنان حمله‌ور شد که مأموران ضمن رعایت قانون به‌کارگیری سلاح به تیراندازی و دستگیری وی اقدام کردند. فرمانده انتظامی شهرستان شاهرود بیان کرد: با توجه به مجروح‌شدن متهم، تیم فوریت‌های پزشکی به محل فرستاده شد و با توجه تلاش این تیم، این فرد فوت کرد. این مقام انتظامی افزود: با ترسی که افراد آسیب‌دیده از این مجرم داشتند، تاکنون حاضر به شکایت نشده بودند که با کشته‌شدن وی تاکنون حدود ۱۰ شاکی برای اعلام جرائم خشن این فرد به کلانتری مراجعه کرده‌اند.

کلاهبرداری اینترنتی با سایت شرط‌بندی

● شرق: کلاهبردار اینترنتی که از طریق راه‌اندازی سایت شرط‌بندی و قمار، اهداف مجرمانه‌اش را عملی می‌کرد، دستگیر شد. سرهنگ توح کاظمی، رئیس‌پلیس فتای تهران بزرگ، در تشریح این خبر گفت: به دنبال شکایت شهروندی مبنی بر کلاهبرداری و خالی‌شدن حساب بانکی‌اش از سوی مدیر سایت شرط‌بندی، پرونده‌ای در زمینه در پلیس فتای تهران بزرگ تشکیل شد. سرهنگ کاظمی در ادامه گفت: رسیدگی به این پرونده در دستور کار مهندسان پلیس فتا قرار گرفت و در بررسی‌های اولیه مشخص شد مجرم با راه‌اندازی سایت شرط‌بندی، کاربران را برای ثبت‌نام به درگاه بانکی جعلی هدایت می‌کند و پس از واردکردن اطلاعات حساب بانکی از سوی کاربر، متهم با توجه به دسترسی پیداکردن به اطلاعات حساب مال‌باخته، اقدام به سرقت موجودی‌اش می‌کند. وی ادامه داد: در مرحله بعدی از تحقیقات، پلیس به‌زنی ۳۶ساله رسید. مأموران متوجه شدند این متهم با خرید و فروش از دیدیتالی به‌وسیله پول‌های سرقتی، اقدام به پول‌شویی می‌کند که در هماهنگی با مقام قضائی، متهم به پلیس احضار و پس از روبه‌روشدن با ادله‌های پلیسی، به‌ناچار به جرم خود اعتراف و انگیزه‌اش را کسب درآمد اعلام کرد. سرهنگ کاظمی در پایان به شهروندان توصیه کرد: به‌هیچ‌وجه به تبلیغات سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی درباره برنده‌شدن در سایت‌های قمار و شرط‌بندی اعتماد نکنید، چراکه مجرمان سایبری قطعاً با هدف مال‌اندوزی و کسب درآمد‌های نامشروع اقدام به طراحی این‌گونه سایت‌های شرط‌بندی و قمار کرده‌اند.